




بررسی تعریب کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» اثر استاد مطهری براساس مدل گارسس

- مریم بخشی *  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
- کبری ظفری  کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
- سپیده باقری  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

چکیده

نقد و ارزیابی ترجمه، بخش مهمی از کار ترجمه است که به رشد و تکمیل آن منجر می‌شود. نظریه ارزیابی کیفیت ترجمه گارسس (۱۹۹۴) به دلیل دارا بودن معیارهای میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه در تشخیص سطح کیفی ترجمه‌ها بسیار کارآمد است. کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» استاد مطهری از جمله کتاب‌های برجسته در زمینه تاریخ، فرهنگ و سیاست است که با عنوان «الإسلام و ایران»، به زبان عربی ترجمه شده است. در پژوهش حاضر، تعریب این کتاب با تکیه بر الگوی «کارمن والرو گارسس» و در چهار سطح واژگانی، دستوری، گفتمانی و سبکی و به روش توصیفی-تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که این تعریب -با توجه به تکنیک‌های منفی بیشتر- تنها از کفایت برخوردار است نه مقبولیت. مترجم در دو سطح «معنایی- لغوی» و «نحوی- صرفی» نسبت به سطوح دیگر مدل گارسس موفق‌تر عمل کرده و در سطح «گفتمانی- کارکردی» و «سبکی- عملی» نیازمند بازنگری است. از عیوب اساسی ترجمه، حذف‌های مخمل و نابجا است که شامل حذف واژه، جمله، پاراگراف و صفحات متعدد است. در کنار حذف، شاهد پدیده بسط یا پرگویی بیش از اندازه هستیم که گاه منجر به تحریف متن می‌شود.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، الگوی گارسس، خدمات متقابل اسلام و ایران، الإسلام و ایران.

مقدمه

ترجمه به معنای برگردان متن مبدأ به متن مقصد، همواره به دنبال معنا بوده و «انتظاری که از مترجم می‌رود، این است که با کمترین آسیب، معادل مناسب را انتخاب کند» (طهماسبی، ۱۳۹۳). هر مترجمی بنا بر شمی که دارد به طور ناخودآگاه و تجربی دست به اقداماتی در جهت رفع این نقص‌ها و آسیب‌ها می‌زند، اما امروزه با توجه به جهت‌گیری جهان به سوی علمی کردن تمام حرفه‌ها و عرضه ابزارهایی برای رویارویی با مشکلات آن، ترجمه نیز از این امر مستثنا نبوده و نیاز به ابزارهایی دارد. این ابزارها و یا بهتر بگوییم نظریه‌ها، راهی است برای آشنایی بیشتر با مشکلات ترجمه، طبقه‌بندی آن‌ها و نیز عرضه راه‌حلهایی برای تصمیم‌گیری در جهت حل مشکلات پیش‌رو (مهدی‌پور، ۱۳۸۹).

تاکنون نظریات مختلفی از سوی صاحب‌نظران ترجمه در زمینه کیفیت‌سنجی و ارزیابی ترجمه‌ها ارائه شده است. «یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با نظریه و عمل ترجمه، تعریف نظریه ترجمه و تبیین نسبت آن با عمل ترجمه است. برخی از نظریات ترجمه، متن مبدأ را در اولویت قرار داده و به اصطلاح نویسنده محورند و برخی دیگر به متن مقصد توجه داشته و مخاطب‌محور محسوب می‌شوند، اما در هر صورت می‌توان آن‌ها را معیاری برای نقد و ارزیابی ترجمه‌های انجام شده، در نظر گرفت» (افضلی و اسداللهی، ۱۳۹۸).

نظریه گارسس، یکی از مهم‌ترین نظریات مقصد‌گرا است که در چهار سطح ارائه شده و به دلیل جامع بودن آن، می‌تواند الگویی کارآمد جهت ارزیابی سطح کیفی ترجمه‌ها و میزان مقبولیت و کفایت آن‌ها باشد.

از جمله کتاب‌های ارزشمندی که ارزیابی آن مغفول مانده، ترجمه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، اثر استاد شهید مرتضی مطهری است. این کتاب توسط استاد محمد یوسف هادی غروی با عنوان «الاسلام و ایران» به زبان عربی ترجمه شده است. ارزش جهانی کتاب، ضرورت ارزیابی ترجمه آن را توجیه می‌کند. در پژوهش حاضر، ترجمه جلد دوم موردنظر (به صورت کامل) براساس نظریه گارسس و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفته و با بیان نکات مثبت و منفی ترجمه، میزان کفایت و مقبولیت آن سنجیده شده است.

پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱- ترجمه کتاب «الاسلام و ایران»، با کدام‌یک از سطوح چهارگانه نظریه گارسس، مطابقت بیشتری دارد؟
- ۲- ترجمه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، براساس الگوی گارسس از کدام‌یک از ویژگی‌های مقبولیت و کفایت برخوردار است؟
با توجه به سؤال‌های این پژوهش، دو فرضیه مطرح است:
 - ۱- ترجمه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، با سطح صرفی- نحوی از سطوح چهارگانه نظریه گارسس، مطابقت بیشتری دارد.
 - ۲- ترجمه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، براساس الگوی گارسس، دارای ویژگی مقبولیت بوده و کفایت لازم را ندارد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های ارزشمندی بر مبنای نظریه گارسس، مورد بررسی قرار گرفته است که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

محمد رحیمی خویگانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی- لغوی گارسس» انتخاب‌های واژگانی ترجمه محمد دشتی از نهج البلاغه امام علی (ع) را براساس سطح معنایی- لغوی الگوی ارزیابی ترجمه گارسس مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که دشتی در انتخاب‌های واژگانی خود، بیش از هر چیز به بسط واژگانی در قالب‌های مختلف و از همه مهم‌تر به بسط تفسیری و ایدئولوژیک روی آورده است.

محمدحسن امرایی (۱۳۹۷) در مقاله «نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس نظریه گارسس (۱۹۹۴م)؛ مطالعه موردی: سورة بقره» در ارزیابی کیفی ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی به این نتیجه رسیده که این ترجمه، هم توضیحی- تفسیری است و داده‌های بسیاری برای زیرگروه تعریف و توضیح و بسط خلاقه دارد و هم، موارد بی‌شماری از داده‌های قابل تطبیق با نظریه گارسس و زیرگروه‌های متعدد آن را در خود جای داده است.

عیسی متقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبرانقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵)» ضمن بررسی ترجمه پیام رهبرانقلاب به زبان عربی، چالش‌هایی را در این ترجمه

شناسایی کرده که تفاوت‌های فرهنگی موجود بین دو زبان فارسی و عربی و معادل‌یابی در سطح واژگانی و دستوری براساس این اختلافات، یکی از چالش‌های مهم در فرآیند این ترجمه است. همچنین مواردی چون اقتباس و معادل‌یابی واژگانی بر این اساس، قبض و بسط واژگان در زبان مقصد، به کار بردن واژگان عام در برابر خاص و برعکس، تأثیرپذیری از زبان عامیانه و... از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه بوده است.

محمدنبی احمدی و زهرا قنبری (۱۳۹۹) در مقاله «نقد ترجمه فارسی داستان «نهرالذهب» براساس نظریه سطح معنایی - لغوی الگوی گارسس» به این نتیجه رسیده‌اند که این ترجمه از لحاظ سطح «معنایی - لغوی» موارد محدودی از داده‌های قابل تطبیق با نظریه گارسس و زیرگروه‌های متعدد آن را در خود جای داده است. «اقتباس» دارای بیشترین بسامد و «توضیح» کمترین مورد را دارا بوده است.

زهرا گرجی و رقیه رستم‌پور ملکی (۱۳۹۹) در مقاله «نقد ترجمه فارسی منتخب آثار جبران در کتاب «حمام روح» بر پایه مدل نظری گارسس»، ترجمه منتخب آثار «جبران خلیل جبران» در کتاب «حمام روح» سید حسن حسینی (۱۳۷۷) را بر پایه نظریه نقد ترجمه گارسس در هر چهار سطح با شیوه توصیفی - تحلیلی مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد. دستاورد این جستار نمایانگر آن است که مترجم در زمینه معنایی - لغوی و نحوی - واژه‌ساختی، عملکرد بهتری داشته و در سطوح سبکی و گفتمانی نسبتاً ضعیف ظاهر شده است.

براساس جست‌وجویی که نگارندگان مقاله انجام داده‌اند، تاکنون پژوهشی در حوزه بررسی ترجمه یوسفی غروی از کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» به عمل نیامده است و از این منظر پژوهشی نو به‌شمار می‌رود.

۲. معرفی کتاب

«خدمات متقابل ایران و اسلام» از آثار مشهور استاد مطهری، روحانی شیعه و استاد فلسفه و علوم اسلامی است. استاد مطهری این کتاب را برای دفاع از اسلام در برابر ادعاهای عبدالحسین زرین کوب در کتاب مشهور «دو قرن سکوت» نوشته است. زرین کوب در کتاب مشهور «دو قرن سکوت» رفتار اعراب مسلمان در جریان فتح ایران را مورد انتقاد قرار داد و ورود اسلام به ایران را همراه با «غارت و کشتار» دانست. زرین کوب معتقد بود که اعراب، ایرانیان را با زور شمشیر مسلمان کردند، اما استاد مطهری اعتقاد داشت که

ایرانیان به خاطر سابقه فرهنگی و فلسفی عالی که داشتند دین اسلام را هماهنگ با عقل و فطرت یافتند و آن را پذیرفتند.

استاد مطهری در فصل اول این کتاب مفهوم ملیت ایرانی را مورد بررسی قرار داده و به طور مستند به نحوه ارتباط ایرانیان با اسلام -چه قبل و چه بعد از برخورد نظامی بین اعراب و ایرانیان- می پردازد. در فصل دوم می نویسد که گرایش ایرانیان به اسلام از روی اجبار نبوده، بلکه با عشق به آموزه های اسلامی مثل عدالت و همچنین استعداد ایرانی ها برای پذیرش اسلام بوده است. استاد مطهری در این بخش به ادعاهای بعضی نویسندگان مبنی بر تحمیلی بودن اسلام به طور مستند پاسخ داده است. در فصل سوم کتاب با عنوان «خدمات ایرانیان به اسلام» می نویسد که ایرانیان بیش از هر قوم دیگری استعداد و ابتکار خود را صادقانه در اختیار اسلام قرار دادند (ر.ک؛ ویکی پدیا).

استاد مطهری در مقدمه کتاب تأکید دارد که «کتاب حاضر پاسخ به سه پرسشی است که مهم ترین پرسش ها درباره ایران و اسلام است: اول پرسش مفهوم ایران و ملت ایرانی و نسبت آن ها با اسلام؛ دوم پرسش سهم ایرانیان در بسط و گسترش اسلام و ظهور دادن تمدن اسلامی و بالاخره سهم اسلام در شکوفایی ایران».

۳. مدل ارزیابی کارمن والرو گارسس^۱

درباره کیفیت سنجی ترجمه، دیدگاه های مختلفی از سوی صاحب نظران ترجمه ارائه شده است. در این میان مدل گارسس به دلیل جامع بودن و پرداختن به همه ابعاد متن از اهمیت بسزایی برخوردار است. «گارسس (۱۹۹۴) مدلی ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه کرده است که مرکب از مدل پیشنهادی وینی و داربلنه^۲ (۱۹۵۸)، آرا و عقاید دیگر صاحب نظران در امر ترجمه مانند نایدات^۳، نیومارک^۴، دلیسل^۵، واز که ایورا^۶، مونن^۷، نوبرت^۸ و

1- Garces, KV.

2- Vinay, J-P. and Darblenet, J.

3- Nide, E.

4- Newmark, P.

5- Delisle, J.

6- Ivora, W.

7- Mounin, G.

8- Nobert, A.

سنتویو یاتوری^۱ است. در الگوی گارسس، ترجمه‌ها بر پایه ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت (و زیرگروه‌های آن) و در نهایت، دو معیار کفایت و مقبولیت، بررسی و رده‌بندی می‌شوند» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲).

گارسس برای ارزیابی شباهت‌های متن مبدأ و متن مقصد، چهار سطح پیشنهاد می‌کند. این چهار سطح و زیرگروه‌های آن به شرح جدول (۱) است.

جدول ۱. سطوح و زیرگروه‌های آن‌ها در نظریه گارسس

سطح معنایی - لغوی	سطح نحوی - واژه‌ساختی	سطح گفتنی - کارکردی	سطح سبکی - عملی
تعریف یا توضیح	ترجمه تحت‌اللفظی	تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی	بسط خلاقه
معادل فرهنگی یا کاربردی	تغییر نحو یا دستورگردانی	تغییر لحن	اشتباه مترجم
اقتباس	تغییر دیدگاه	تغییر ساختار درونی متن مبدأ	حفظ اعلام با معادل متن اصلی
بسط یا بسط نحوی	جبران	تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای	حفظ ساختار خاص متن مبدأ
قبض نحوی	توضیح یا بسط معنی	حذف منظور متن اصلی	بیان نامناسب در متن مقصد
عام برابر خاص یا برعکس	تلویح، تقلیل و حذف	حذف حواشی	پرگویی در برابر ساده‌گویی
ابهام	تغییر نوع جمله ترجمه		تغییر در صناعات

منبع: گارسس (۱۹۹۴)

«همه این تکنیک‌ها را می‌توان از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده که هر نوع ترجمه‌ای را در بر می‌گیرد، تقسیم کرد: افزایش^۲، مانس (حفظ)^۳، کاهش^۴. در حیطه افزایش، تکنیک‌هایی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند که عبارتند از: تعریف، بسط، دستورگردانی، دگربینی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، بسط خلاقه و تفصیل.

- 1- Sentoio Yaturi
- 2- Addition
- 3- Conservation
- 4- Suppression

تکنیک‌هایی که در حوزه مانس (حفظ) اطلاعات می‌گنجد، عبارتند از: معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، ترجمه فرضی، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدأ.

تکنیک‌هایی که کاهش را در برمی‌گیرند، عبارتند از: کاهش، حذف، حذف بن‌مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف و اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم» (مختاری‌اردکانی، ۱۳۸۶).

با بررسی چهار سطح نظریه گارسس و لحاظ کردن سه گروه افزایش، مانس (حفظ) و کاهش، این تکنیک را می‌توان به سه دسته مثبت، منفی و خنثی طبق جدول (۲) تقسیم‌بندی کرد.

جدول ۲. تکنیک‌های کاربردی در نقد ترجمه براساس نظریه گارسس

تکنیک‌های مثبت	تکنیک‌های منفی	تکنیک‌های خنثی
معادل فرهنگی	ابهام	
اقتباس	ترجمه فرضی ^۲	
بسط	ساده سازی ^۳	
تعیین ^۱	ترجمه تحت‌اللفظی	
جبران	نارسایی ^۴	تغییر در نوع ظرفیتی جمله
دستورگردانی	تغییر لحن	حفظ اسامی خاص متن مبدأ
دگر بینی	تغییر ساختار درونی	تعریف
توضیح	حذف ^۵	
تغییر برحسب اختلافات	تعدیل	
اجتماعی - فرهنگی	کاهش	
حفظ صناعات ادبی	حفظ ساختارهای متن مبدأ	
	بسط خلاقه	
	پرگویی	
	اشتباه مترجم	
	حذف و تغییر صناعات ادبی	

منبع: مختاری‌اردکانی (۱۳۸۶)

- 1- Concretion
- 2- Calque
- 3- Simplification
- 4- Inadequacy
- 5- Suppression

در مقاله حاضر با استفاده از روش‌شناسی ارزیابی ترجمه گارسس، ترجمه کتاب موردنظر مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است. «این روش‌شناسی، الگوی جدید و جامع‌الأطرافی که به آن Polysystemic می‌گویند برای ارزیابی ترجمه ادبی از دیدگاه علمی و ادبی به دست می‌دهد تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای مغرضانه، طرفدارانه، خام، ناپخته، نظری، غیرملموس، غیرمستدل و غیرمنطقی پرهیز کند» (مختاری‌اردکانی، ۱۳۸۶).

۴. کاربرد نظریه گارسس در ترجمه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»

۴-۱. سطح معنایی - لغوی

۴-۱-۱. تعریف یا توضیح

«تعریف» بیان معنی واژه است به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفتی و «توضیح» افزودن اطلاعاتی است که برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند (مختاری‌اردکانی، ۱۳۸۶) «به این معنی که وقتی مترجم در ترجمه به واژه‌ای برمی‌خورد که خاص یک فرهنگ است در انتقال آن به زبان مقصد باید معنی آن را بیان کند و توضیحی ارائه دهد تا خواننده متن ترجمه شده در درک معنی دقیق با چالش مواجه نشود» (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶).

«اهورامزدا اراده قدوسی علوی خود را به وسیله روحی مقدس و نیکو نهاد از قوه به فعل می‌آورد که او را «سپنت مئنیو» (خرد مقدس) نامیده است» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: إن أهورا كان يفعل ما يريد بإرادته العلوية المقدسة بواسطة روح مقدس نافع وخير دعاه: «سپنت مئنیو = العقل المقدس» (كما يقول قدماء الفلاسفة بالعقل الأول)
(یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، مترجم برای تفهیم بیشتر مطلب برای خواننده، جمله‌ای را به عنوان توضیح عقل مقدس در داخل پرانتز افزوده است.

«اصل تعدد زوجات، اساس تشکیل خانواده به شمار می‌رفت» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: إن تعدد الزوجات يعتبر هو الأصل في أساس تشكيل الأسرة في إيران القديم
(لدى الأشراف) (یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، مترجم به منظور رفع ابهام و برداشت نادرست مخاطب، توضیحاتی در انتهای عبارت افزوده است، زیرا اگر این امر صورت نمی گرفت، شاید برای خواننده این فکر پیش می آمد که موضوع تعدد زوجات، امروزه نیز در جامعه ایران و همچنین در مورد تمامی طبقات جامعه به عنوان اصل اساسی در تشکیل خانواده، رایج است. صفت ایران که مؤنث است، هم نادرست به کار رفته است.

«بهدین» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: بهدین: الدين الأحسن (یوسفی غروی، بی تا)

مترجم در کنار انتقال این کلمه به زبان مقصد، آن را توضیح داده است.

«گات‌ها» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: گات‌ها: النشید الدینی الزرادشتی (یوسفی غروی، بی تا).

۴-۱-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی

«معادل فرهنگی، پیدا کردن واژه‌ای از فرهنگ زبان مقصد به عنوان جایگزین واژه‌ای در زبان مبدأ است. نیومارک می گوید: واژگان و اصطلاحات فرهنگی باید با معادل مناسب فرهنگ مقصد، جایگزین شوند» (امرائی، ۱۳۹۷)، چراکه برخی واژه‌ها به دلیل دارا بودن بار معنایی فرهنگی یا کارکردی در زبان مبدأ، چنانچه با استفاده از فرهنگ لغت و با استفاده از معادل اولیه واژه، ترجمه شوند، ترجمه‌ای پذیرفتنی و قابل فهم برای مخاطب به دست نمی دهد. از این رو، مترجم توانمند باید با شناسایی چنین واژگانی، معادل مناسبی را که در فرهنگ زبان مقصد، دارای همان مفهوم و کارایی است، انتخاب کند.

«روی استعمار سیاه با دست پروردگانش» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: شاهد وجوه ربائب المستعمرین العملاء الخونة المجرمین!.. (یوسفی غروی، بی تا)

«شاهت وجوه» دقیقاً معادل فرهنگی «رویش سیاه» است.

«در شش و پنج خیر و شر است» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: يحار في مسألة الخير والشر (یوسفی غروی، بی تا)

مترجم به جای اینکه به ترجمه تحت‌اللفظی این عبارت پردازد، معادل کارکردی آن را در زبان مقصد، ارائه داده است تا برای مخاطبان نامفهوم و نامأنوس نباشد.

«آزادی و قدرت قابل توجهی پیدا کرده بودند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: وجدوا لأقدامهم موضعاً (یوسفی غروی، بی تا)

«آنگاه بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: ثم تری أنت بنفسك البون الشاسع بينهما (یوسفی غروی، بی تا)

سخن مطهری که جمله معروفی است از اشعار حافظ: «صلاح کار کجا و من خراب کجا/ بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا» (حافظ شیرازی، غزل ۲) به صورت دقیق ترجمه نشده، بلکه از معادل کارکردی آن استفاده شده است. از این رو، ترجمه بیت به صورت «این صلاح العمل منی السكران/ أنظر: من أين إلى أين اختلاف الطریقین؟!» پیشنهاد می‌شود.

۴-۱-۳. اقتباس

اقتباس یا همانندسازی به عنوان «معادل‌یابی تقریبی میان مضمونی در زبان مبدأ و مضمونی مشابه و یا نزدیک به آن در زبان مقصد که تأثیری مشابه در ذهن خواننده دارد» تعریف شده است (کمالی، ۱۳۹۲). اقتباس (معنی نزدیک) در نظریه گارسس هم به کار بردن معادل جا افتاده است. در این شیوه، پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد و برای ترجمه اصطلاحات یا نهادهای فرهنگی نافع است (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶). به صورت ساده‌تر می‌توان گفت همان معادل فرهنگی است. بدین معنی که کلمه‌ای یا اصطلاحی در

یک فرهنگ خاص، یک مفهوم مشخصی دارد، اما در یک فرهنگ دیگر همان کلمه یا اصطلاح وجود ندارد و اصطلاحی به کار می‌رود که مشابه همان مفهوم است.

«سنن و نظامات کهنه و دست و پاگیر آنها را براندازد» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: أن يضع عنهم إصرهم والأغلال التي عليهم من السنن والأنظمة البالية (یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، اصطلاح دست و پاگیر در فرهنگ فارسی وجود دارد و همه ما مفهوم آن را درک می‌کنیم، اما در زبان عربی همان اصطلاح با همان مفهوم وجود ندارد. بنابراین، مترجم چون نتوانسته عبارت مناسبی برای بیان این مفهوم بیابد، کلمه‌ای را که با این مفهوم تناسب داشته باشد، به کار برده است.

۴-۱-۴. بسط نحوی

«بسط نحوی عبارت است از افزودن یک یا چند واژه به ترجمه برحسب ضرورت» (مختاری‌اردکانی، ۱۳۸۶). در بسط نحوی، مترجم بنا به ضرورت ساختار زبان مقصد، افزوده‌هایی را به متن اضافه می‌کند تا عبارت برای خواننده، مفهوم‌تر شود؛ یعنی عبارتی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده در ترجمه تصریح می‌شود. «تصریح به معنای آشکارسازی است و یکی از هماهنگی‌های ترجمه است. تصریح وقتی صورت می‌گیرد که اطلاعات متن مبدأ با صراحت و وضوح بیشتر به ترجمه انتقال می‌یابد» (خزاعی‌فر، ۱۳۹۱).

«کابوس به پایان آمد» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: هكذا ارتفع الكابوس المظل (یوسفی غروی، بی تا)
توضیح: افزودن صفت المظلم

«تنها کسی که از تخمه شاهی باقی مانده بود، این دو دختر بودند» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: فلم يبق من بذرة الملوك إذ ذاك أحد سوی هاتین البنتنین من أخواته
(یوسفی غروی، بی تا)

«از این تغییر چه جرثومه‌های دیگر که به جانمان حمله می‌آورد» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: وما أكثر هذه الجراثيم التي صارت تغزونا من آثار هذا الغزو (یوسفی غروی، بی‌تا)

«اعتقاد عظیم به خون و نژاد را با مسأله حقوق زن نباید اشتباه کرد» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: فلا ينبغي الخلط بين العقيدة السائدة بالدم والعنصر ومسألة حقوق المرأة في ذلك
العهد البائد (یوسفی غروی، بی‌تا)

در تمامی موارد بیان شده، مترجم پس از آوردن معادل کلمه در متن مقصد و ترجمه جمله در ساختار زبان مقصد، جهت توضیح بیشتر و شفاف‌سازی مفهوم، عناصر نحوی افزوده است.

۴-۱-۵. قبض نحوی

قبض نحوی که عکس بسط نحوی است، عبارت است از به کار بردن واژه‌های اندک در برابر واژه‌های بسیار زبان مبدأ؛ در واقع در قبض نحوی، واژگان ترجمه، کمتر از واژگان زبان مبدأ هستند.

«عقائد زروانی مجموعاً بسیار پیچیده، مبهم و درهم و خرافی است» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: والعقائد الزروانية مجموعة خلیطة وخرافية (یوسفی غروی، بی‌تا)

عبارت‌های «بسیار پیچیده، مبهم و درهم و خرافی» که چهار صفت است به صورت دو صفت «خلیطة وخرافية» ترجمه شده است.

«ذبح و قربانی با مراسم شگفت آوری پای به عرصه نهاده» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: أضيفت إلى مناسك القربان طقوس عجيبة (یوسفی غروی، بی‌تا)

در این عبارت، مترجم علاوه بر اینکه از معادل کارکردی استفاده کرده، دست به قبض نحوی نیز زده است به طوری که «پای به عرصه نهاده» به صورت یک واژه «أضيفت» ترجمه شده است.

«تعالیم دوپهللو و کشدار» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: تعالیم مطاطة (یوسفی غروی، بی تا)

توضیح: «دو پهللو و کشدار» در ترجمه به یک واژه «مطاطة» تقلیل یافته است.

«هر پسری تا سن بلوغ و هر دختری تا زمان ازدواج دارای همین حقوق بودند»

(مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: کان لكل بنت نفس هذا الحق إلى أن تتزوج وكذلك للولد (یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، ترتیب جمله، جابه‌جا شده، مترجم به این جابه‌جایی بسنده کرده است. همچنین در ترجمه جمله اول، دچار قبض شده است که در فهم جمله اختلال ایجاد می‌کند. به بیان دیگر، در متن اصلی برای پسر، سن بلوغ در نظر گرفته شده و برای دختر، زمان ازدواج، اما وقتی مترجم ترجمه کرده: «وکذلک للولد» مخاطب چنین برداشت می‌کند که برای پسر هم، همان سن ازدواج موردنظر است.

«ساسانیان این نظام را تجدید و تأیید و تقویت کردند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: إنما أیده الساسانیون (یوسفی غروی، بی تا)

مترجم در این عبارت سه فعل تجدید، تأیید و تقویت را در فعل «أیده» خلاصه کرده و از مؤلفه قبض نحوی استفاده نموده است.

۴-۱-۶. عام برابر خاص یا برعکس

عام در برابر خاص یا برعکس، ترجمه لغت عام است به خاص (ذات) یا برعکس (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶)؛ بدین صورت که گاهی نویسنده، اسمی را به صورت عام بیان کرده، اما مترجم، آن را به صورت اسم خاص می‌نویسد. یا برخی مواقع، برعکس آن عمل می‌کند؛ یعنی اسم خاص را در ترجمه به صورت اسم عام می‌آورد.

«هیچکس باور می‌کند که در این قرن مردی که مدعی مقام استادی دانشگاه است، تا این

حد تجاهل کند؟» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: فهل من أحد يصدق أن يتجاهل هكذا رجل يدعى أنه من أساتذة جامعة طهران؟! (یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، «دانشگاه» به صورت عام مطرح شده، اما مترجم، کلمه «طهران» را به آن افزوده و اسم عام را تبدیل به اسم خاص کرده است.

«مثلاً در صفحه ۷۶ کتاب که راجع به تاریخی یا موهوم بودن زردشت بحث می کنند، می گویند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: بیحث هذا الدكتورالمعین فی صفحة ۷۶ من کتابه حول حقيقة وجود زرادشت واسطوريته ويقول (یوسفی غروی، بی تا)

در متن اصلی، گویندگان مطلب به صورت عام مطرح شده، اما مترجم با توجه به مطالعه کتاب استاد مطهری و اشرافش بر مطالب، اسم گوینده را ذکر کرده است.

۴-۱-۷. ابهام

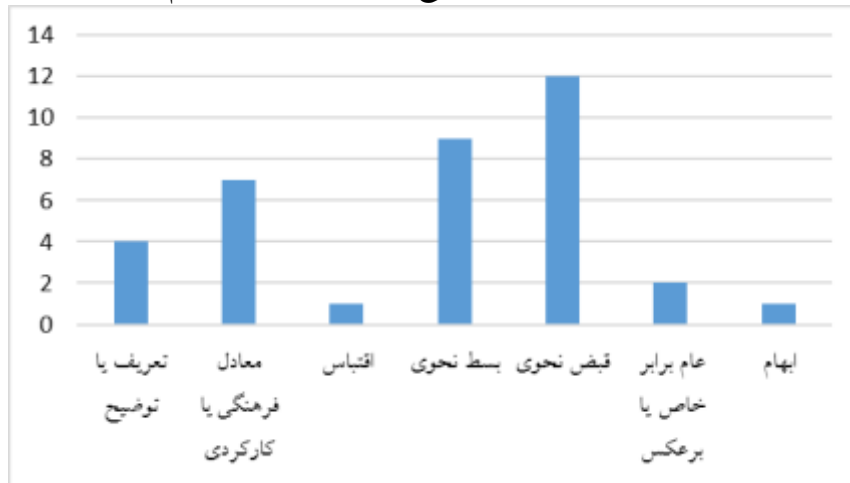
زبان‌شناسان معتقدند که دلالت‌های مختلف یک صورت واحد، منجر به ابهام می‌شود. نیومارک ابهام را هفت نوع دانسته است: ۱- ابهام دستوری، ۲- ابهام لغوی، ۳- ابهام کاربردی، ۴- ابهام فرهنگی، ۵- ابهام در گویش فردی، ۶- ابهام ارجاعی و ۷- ابهام استعاری یا مجازی (نیومارک، ۱۳۷۲).

تنها یک رسم و یک عبادت از زمان زردشت باقی مانده است (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: وإنما بقى مرسوم عبادة واحد (غروی، بی تا)

همانطور که ملاحظه می‌شود، چنانچه به متن فارسی کتاب مراجعه نکنیم، متوجه مفهوم جمله ترجمه شده نخواهیم شد. از این رو، ترجمه به صورت «إنما بقى مرسوم و تقلید عبادی واحد» پیشنهاد می‌شود.

نمودار (۱) کاربرد زیرگروه‌های سطح معنایی - لغوی در «الإسلام و ایران» نمایش داده شده است.

نمودار ۱. کاربرد زیرگروه‌های سطح معنایی - لغوی در «الاسلام و ایران»



۲-۴. سطح نحوی - صرفی (واژه‌ساختی)

۱-۲-۴. ترجمه تحت‌اللفظی

در ترجمه تحت‌اللفظی، عناصر سازنده جمله در زبان مبدأ با معادل‌های معنایی خود در زبان مقصد جایگزین می‌شود (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، در برابر هر واژه از زبان مبدأ، واژه‌ای از زبان مقصد و با همان ترتیب نوشته می‌شود.

«آیین مزدا خواسته ابروی خدا را اصلاح کند، چشم خدا را کور کرده است» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: دین مزدا أراد أن یکحل عین مزدا فأعماها (یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، مترجم بدون توجه به مفهوم جمله متن اصلی که در فرهنگ ایرانیان رایج است، اقدام به ترجمه تحت‌اللفظی کرده به طوری که در میان عرب زبان‌ها که مخاطب این ترجمه هستند، عبارتی گنگ و نامفهوم است.

۲-۲-۴. تغییر نحو یا ساختار

«در فرآیند ترجمه، سطح نحوی به تحلیل جملات و سازه‌های آن در زبان مبدأ و تولید جملات درست در زبان مقصد مربوط می‌شود. بنابراین، علاوه بر برگردان عناصر معنایی

و واژگان، ترجمه ساختار نحوی واحد ترجمه از زبان مبدأ به مقصد نیز باید انجام شود. در واقع برگردان قالب و ساختار جمله از زبان مبدأ به مقصد شرط اساسی ترجمه است و این امر جز با تجزیه و تحلیل گرامری واحد ترجمه میسر نمی‌شود» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۲).

«آتش، پسر آسمان است» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: النار بنت السماء (یوسفی غروی، بی تا)

یکی از عقاید آیین زرتشتی، این است که آتش، پسر آسمان است و مقدس محسوب می‌شود. با توجه به اینکه در زبان عربی، «نار» مونث معنوی است، مترجم برای اینکه این جمله را با قواعد زبان مقصد، منطبق کند از کلمه «بنت»، به معنی «دختر» استفاده کرده است.

«ثنویت زردشتی» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: الثنویة والزرادشت (یوسفی غروی، بی تا)
توضیح: تبدیل مضاف الیه به معطوف

«دینی که از فاتحین عرب به ایرانیان رسید، در اینجا رنگ و روی ایرانی گرفته، تشیع خوانده شد و از مذاهب اهل سنت امتیاز یافت» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: إن الدين الذي وصل على أیدی الفاتحین العرب إلى الفرس، تأثر هنا بلون ایرانی يُدعی التشیع، ممتازاً عن مذاهب السنة (یوسفی غروی، بی تا)
توضیح: تبدیل فعل به اسم

«هر پسری تا سن بلوغ و هر دختری تا زمان ازدواج دارای همین حقوق بودند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: كان لكل بنت نفس هذا الحق إلى أن تتزوج وكذلك للولد» (یوسفی غروی، بی تا)

در جمله فارسی، حقوق دختر و پسر در جملات جداگانه گفته شده، اما در ترجمه عربی، مترجم با جابه‌جایی اجزای جمله؛ یعنی دختر و تقدیم آن باعث ایجاد تأکید روی

دختر شده است و حق پسر هم به صورت مختصر و اشاری بیان شده است. این امر باعث تغییر در ساختار شده و منجر به تغییر اسلوب شده است.

«ایران‌شاه با صدها خدام خود یادآور آتشکده‌های شیز و ری و استخر با فر و شکوه ساسانیان است» (مطهری، ۱۳۵)

ترجمه: إن ایران‌شاه تذکرنا بخدامها الذین یبلغون المئات ببیوت نار شیزه وری و استخر بما کان لها من جلال الساسانیین (یوسفی غروی، بی تا)
توضیح: تبدیل عبارت اسمی به عبارت فعلی

«غالباً طریقه و مشی خود را با آیات ناسخ و منسوخ قرآن مدلل می کردند» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: کانوا یستدلون علی طرقتهم هذه فی المعارضة بآیات من القرآن ناسخة أو منسوخة (یوسفی غروی، بی تا)
توضیح: تبدیل صفت به حال

«انحطاط قطعی و ناگزیر بود» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: کان لا بد لنا من الانحطاط (یوسفی غروی، بی تا)
توضیح: تبدیل سوم شخص به اول شخص.

۴-۲-۳. تغییر دیدگاه

«به روشی اطلاق می شود که در آن مفهومی در زبان مبدأ به گونه‌ای دیگر در زبان مقصد بیان می شود. مواردی از تغییر دیدگاه عبارتند از: بیان وسیله به جای نتیجه، بیان معلول به جای علت و برعکس، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان با ترتیب دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت منفی به عبارت مثبت و برعکس، تبدیل جزء به کل و برعکس، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم و برعکس، مسبب به سبب، لازم به ملزوم و...» (فرهادی، ۱۳۹۲).

«خرافه بستند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: تعلقت الخرافات (یوسفی غروی، بی تا)

توضیح: تبدیل مفرد به جمع

«دارای خصوصیات اخلاقی و اجتماعی می‌شوند» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: لاتعدم بعض الصفات الخلقية والإجتماعية (یوسفی غروی، بی‌تا)
توضیح: تبدیل جمله مثبت به منفی

«تصور می‌شده‌اند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: كانوا يتصورونها (یوسفی غروی، بی‌تا)
توضیح: تبدیل فعل مجهول به معلوم

«باقی می‌ماند فقط اقلیم و منطقه» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: إذن فلايبقى لنا سوى الإقليم والقطر (یوسفی غروی، بی‌تا)
توضیح: تبدیل عبارت مثبت به منفی و همچنین آوردن اسلوب استثنا

«به نظم و نثر ایجاد کرده‌اند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: قلنا ونظمنا (یوسفی غروی، بی‌تا)
توضیح: تغییر زاویه دید از سوم شخص جمع به اول شخص جمع.

۴-۲-۴. جبران

چنانچه مترجم به هر دلیلی نتواند ترجمه دقیق‌تری از متن اصلی ارائه دهد با استفاده از راهکارهایی، دست به جبران آن می‌زند.

«شهرنشین شدند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: بنوا بیوتاً وقرى وسكنوها (یوسفی غروی، بی‌تا)

در این عبارت، مترجم به دلیل اینکه نتوانسته جمله «شهرنشین شدند» را به طور دقیق ترجمه کند از راهکار جبران استفاده کرده و به صورت «بنوا بیوتاً وسكنوها» ترجمه کرده است.

۴-۲-۵. توضیح یا بسط معنی

«توضیح یا بسط معنایی قسمتی از متن که ضرورت دارد در متن مقصد تصریح شود. این بسط معنوی مثل بسط و قبض نحوی خاص همه زبان‌ها است» (امرائی، ۱۳۹۷).

«از همه عجیب‌تر پیش کشیدن بحث قضا و قدر است» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: واعجب من كل ذلك، طرحه لبحث القضاء والقدر على طاولة النقدا!
(یوسفی غروی، بی تا)

«زمین و خاک عنصر ظلمانی می‌باشد» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: رأوا أن الأرض مظلمة لا يستضيئ باطنها بالفعل ولا بالقوة (یوسفی غروی، بی تا)

«آیا اسلام، ایران را آزاد کرد؟» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: فهل أن الإسلام حرر إيران من براثن السلطة الحاكمة الغاشمة الظالمة آنذاك؟
(یوسفی غروی، بی تا)

«يُغْبَقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبْحِ؛ یعنی همانا شامگاهان بعد از بامدادان، باده‌ی حکمت سر می‌کشند» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: أي إنهم يشربون كأسا من الحكمة في الصباح وكأسا آخر منها في المساء
(یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، نویسنده، کلمه «صبح» را به صورت مبهم به کار برده در حالی که مترجم آن را به صورت مبسوط توضیح داده است.

۴-۲-۶. تلویح، تقلیل و حذف

«در این روش، عناصری که در متن اصلی تصریح شده‌اند در ترجمه به تلویح بیان می‌شوند یا تقلیل می‌یابند یا به طور کلی حذف می‌شوند» (فرهادی، ۱۳۹۲).

«اگر قبلاً تدوین شده بود در چه زمانی این تدوین صورت گرفته است؟» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: إن كان ذلك ففی أي مكان و زمان؟ (یوسفی غروی، بی تا)

توضیح: حذف فعل جمله (هم تقلیل و هم تلویح صورت گرفته است).

«زمین و خاک عنصر ظلمانی می‌باشد» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: رأوا أن الأرض مظلمة (یوسفی غروی، بی تا)

توضیح: حذف کلمه «خاک»

«همچنان که عیسی پسر خدا خوانده شد و قرآن سخت آن را مورد حمله قرار داده است»

(مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: كما قالت النصارى المسيح بن الله! (یوسفی غروی، بی تا)

«همچنان که اعراب جاهلیت، فرشتگان را دختر خدا می‌نامیدند و قرآن سخت بر آنها

تاخته است» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: كما قالت العرب: الملائكة بنات الله! (یوسفی غروی، بی تا)

بارزترین حذف، حذف یک صفحه یا یک پاراگراف است که مخلاً ترجمه بوده و از عیوب آن محسوب می‌شود. مترجم هنگام ترجمه، ترجمه چند پاراگراف بلند از جمله در صفحه‌های ۲۵۳ و ۲۵۷ را وانهاد و ترجمه نکرده است؛ از جمله پاراگراف زیر:

«روزی از روزها، علی علیه‌السلام از مردم تقاضا می‌کرد تا زنده است فرصت را مغتنم شمرده، مشکلات خویش را بپرسند و این جمله را تکرار می‌کرد: «سلونی قبل أن تفقدونی» یکی از سوال‌کنندگان اشعث بن قیس کندی بود. این مرد نظر خوشی نسبت به ایرانیان نداشت... این مرد از علی علیه‌السلام پرسید...» (مطهری، ۱۳۵۷)

متأسفانه موارد حذف بسیار زیاد بوده و منحصر به یک واژه یا یک جمله و پاراگراف نیست و بدتر از همه اینها، حذف ۴۰ صفحه از کتاب با عنوان «کتاب‌سوزی ایران و مصر» است.

۴-۲-۷. تغییر نوع جمله ترجمه

«گاهی به ضرورت یا اشتباه نوع جمله عوض می‌شود. مثلاً جمله ساده به مختلط یا مرکب یا برعکس ترجمه می‌شود» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶) و یا از حالت خبری به انشائی یا برعکس ترجمه شود.

«هیچ چیز شر واقعی نیست تا گفته شود. آن چیز را خدا نیافریده. موجود دیگر آفریده است» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: إن لا واقع لشرور فی العالم کی یقال: من خلق الشرور؟ (یوسفی غروی، بی تا)
توضیح: تبدیل جمله خبری به انشایی

«دینی که از فاتحین عرب به ایران رسید در اینجا رنگ و روی ایرانی گرفته، تشیع خوانده شد و از مذاهب اهل سنت (که به عقیده پورداوود، اسلام واقعی همان است) امتیاز یافت» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: «إن الدین الذی وصل علی أیدی الفاتحین العرب إلی الفرس، تأثر هنا بلون ایرانی یدعی التشیع، ممتازا عن مذاهب أهل السنة.» ویری پورداوود أن إسلام الواقعی هو إسلام السنة لا الشیعة (یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، جمله معترضه‌ای که داخل پرانتز آمده و بخشی از نقل قول است از متن اصلی جدا شده و خارج از گیومه به صورت جمله مستقل آورده شده است.
نمودار (۲) کاربرد زیرگروه‌های سطح نحوی - صرفی در «الإسلام و ایران» نمایش داده شده است.

نمودار ۲. کاربرد زیرگروه‌های سطح نحوی - صرفی در «الإسلام و ایران»



۴-۳. سطح گفتمانی - کارکردی

۴-۳-۱. تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی

این مورد فاقد نمونه است.

۴-۳-۲. تغییر لحن

«حفظ لحن یکی از ارکان تأثیر ارتباطی است و باید از طریق زمان (tense)، وجه (mood)، بنا (voice)، واژگان (lexis) و نحو (grammar) آن را حفظ کرد» (فرهادی، ۱۳۹۲).

«به درجه شهادت نائل شد» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: قُتِلَ (یوسفی غروی، بی تا: ۶۱).

کلمات، بار معنایی متفاوتی دارند که باید با توجه به موقعیت جمله انتخاب شوند. «به شهادت رسیدن»، بار معنایی مذهبی و ادبی دارد در حالی که «قُتِلَ»، واژه‌ای خنثی است و آن بار معنایی را ندارد.

۴-۳-۳. تغییر ساختار درونی متن مبدأ

«یعنی تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تأکیدها، تغییر علائم متن به طوری که در معنا تأثیرگذار باشد، تغییر منظور نهایی متن اصلی» (متقی زاده و نقی زاده، ۱۳۹۶).

«آن گاه که اسلام عزیز به کشور محبوب ما قدم گذاشت، کشور ما در چه وضع و شرایط و احوال به سر می برد» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: کیف کان وضع ایران، حین قدوم الإسلام إليها وكيف كان حالها (یوسفی غروی، بی تا)

متن فارسی به صیغه اول شخص و با ستایش کشور ایران است در حالی که در ترجمه عربی، زاویه دید به سوم شخص تبدیل شده و به صورت موجز و همراه با تقلیل بیان شده است.

«این حق به پدر اختصاص داشت» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: بِلِ إِنَّمَا كَانَ هَذَا الْحَقُّ لِأَبِيهَا فَقَطْ (یوسفی غروی، بی تا)

در این عبارت، متن مقصد با تأکید و حصر همراه شده، اما متن مبدأ، فاقد ادات تأکید و حصر است.

«هدف این کتاب آنچنان که نام کتاب و مقدمه نویسنده کتاب حکایت می کند، یک امر ساده علمی است» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: وَهَدَفَ هَذَا الْكِتَابَ - كَمَا يَحْكِيهِ إِسْمُهُ وَمَقْدِمَةُ الْمُؤَلِّفِ - أَمْرٌ عِلْمِيٌّ بَسِيطٌ (یوسفی غروی، بی تا)

مترجم با آوردن جمله اصلی متن به عنوان جمله معترضه، ساختار درونی متن مبدأ را تغییر داده است.

«یزدگرد سوم پس از شکست نهانند، خود به شخصی آتش مقدس ری را که مخصوصاً محترم شمرده می شد، برگرفته به مرو برد» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: وَإِنْ يَزْدَجْرِدُ الثَّلَاثَ حِينَئِذَا إِهْزَمَ فِي «نَهَانْد» حَمَلٌ مَعَهُ نَارٌ «رِي» الْمَقْدِسَةِ إِلَى «مَرُو» بِشَخْصَةٍ (يُوسُفِي غُرُوبِي، بِي تَا)
در این عبارت، مترجم با حذف یک جمله از متن فارسی، تأکیدی را که در آن بود، حذف کرده است.

«حقیقتاً مایه شرمساری ایران و ایرانیان است که با اینکه چهارده قرن است به عالی ترین مفاهیم توحیدی نائل آمده اند و نغزترین گفتارها را به نظم و نثر در این زمینه انشاء کرده اند، خدای مجسم و شاخ و بال دار برایش بکشند و بعد هم اصرار کنند که این را به عنوان یک آرم ملی بپذیر» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: إِنَّهُ لَمِنَ الْمَخْجَلِ أَنْ يَصَوِّرَ رَبًّا لَهُ جِسْمٌ وَجَنَاحٌ وَلِحْيَةٌ لَنَا نَحْنُ الْإِيرَانِيِّينَ بَعْدَ أَنْ حَظِينَا بِبِرْكَةِ الْإِسْلَامِ بِاسْمِي الْمَفَاهِيمِ التَّوْحِيدِيَّةِ وَقَلْنَا وَنَظَمْنَا فِي ذَلِكَ أَجْمَلَ الْمَقَالَاتِ

والأبيات، ثم يصرون علينا أن نقبل هذه الصور كأنها علامات وشارات وطنية وقومية (يوسفى غروى، بی تا)

در این عبارت، زاویه دید سوم شخص (ایران و ایرانیان) به اول شخص (لنا نحن الإيرانيين) تبدیل شده و اسلوب اختصاص نیز به آن افزوده شده است. «با اینکه چهارده قرن است» در عربی و نظم نثر نیز حذف شده است. «بال دار» به «ریش» (لحیة) ترجمه شده است. «به عنوان آرم ملی» به صورت ضعیف و نادرست «کأنها علامات وشارات وطنية وقومية» ترجمه شده است و «ببركة الاسلام» هم به متن افزوده شده و این چنین ساختار درونی متن مبدأ تغییر یافته است.

۴-۳-۴. تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای

در این تکنیک از میزان اصطلاحات محاوره‌ای که در متن اصلی به کار رفته در ترجمه کاسته می‌شود.

«یک آدم اسقاطی است نان به نرخ روز خور، همه چیز برایش علی السویه است. خود باشد و خرش از پل بگذرد...» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: إنه سقط متاع، يطلب رزقه من حيث يطلبه الناس وكلّ شيء له على السوية، يهّمه أن يعبر الجسر ثمّ لا يبالي أن يبقى الجسر لغيره أولا (يوسفى غروى، بی تا)

«آدم اسقاطی»، «نان به نرخ روز خور» و «خر از پل گذاشتن»، همه اصطلاحات کنایه محاوره‌ای هستند که مترجم در حین ترجمه، دست به تعدیل آن‌ها زده است.

«طبقه‌ای است از خود راضی، مغرور، خودپسند، لوس و نر، بیکار و بیکاره، ترسو و کم حوصله، کم مقاومت، نازپروده و عیاش» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: طبقة مترفة، مسرفة مبذرة، خائفة تعتر وترضى عن نفسها، تستأثر ولا تعمل، لا تقاوم ولا تصبر (يوسفى غروى، بی تا)

مترجم در ترجمه این جملات، اصطلاحات محاوره‌ای را کاسته و دست به تعدیل آن‌ها زده است.

۴-۳-۵. حذف منظور متن اصلی

«گاهی ممکن است در ترجمه چنان تغییری حاصل شود که مقصود متن اصلی تغییر کند» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶).

«هیچ چیز شر واقعی نیست تا گفته شود. آن چیز را خدا نیافریده. موجود دیگر آفریده است» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: إن لا واقع لشرور فی العالم کی یقال: من خلق الشرور؟ (یوسفی غروی، بی تا)

جمله فارسی به این شکل است: «آن چیز را خدا نیافریده، موجود دیگر آفریده»، اما مترجم، منظور متن اصلی را تغییر داده و دو جمله را تبدیل به یک جمله کرده و خداوند را حذف کرده و به این شکل ترجمه کرده است: «من خلق الشرور؟» عنوان کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» به صورت «الإسلام و ایران» ترجمه شده است. عنوان کتاب نسبتاً جزئی است و به خدمات متقابل اسلام و ایران اشاره دارد، اما مترجم به صورت کلی ترجمه کرده و بدین ترتیب، منظور اصلی متن مبدأ از بین رفته است.

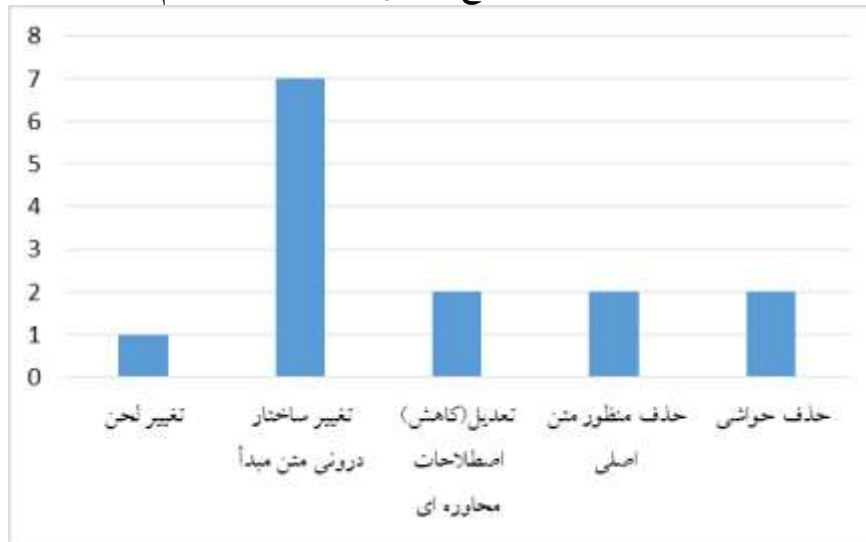
۴-۳-۶. حذف حواشی

«حذف حواشی عبارت است از حذف پانوشته‌ها، پیش‌گفتارها، ضمیمه‌ها، توضیحات، کتاب‌شناسی، استدراکات، فهرست، اعلام و... که در ترجمه از زبان‌های دیگر به فارسی بسیار رایج است» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶).

مترجم در ترجمه این کتاب با اینکه نهایت تلاش خود را به کار برده تا تمامی توضیحات را در ترجمه بیاورد، اما در مواردی این موضوع را رعایت نکرده و برخی موارد را حذف کرده و در ترجمه نیاورده است. به عنوان مثال، مقدمه مؤلف در ابتدای کتاب را به کلی حذف کرده و در صفحه ۲۳۰ متن اصلی، مترجم پاورقی شماره ۲ را ذکر نکرده است.

نمودار (۳) کاربرد زیرگروه‌های سطح نحوی- صرفی در «الاسلام و ایران» نمایش داده شده است.

نمودار ۳. کاربرد زیرگروه‌های سطح گفتمانی- کارکردی در «الاسلام و ایران»



۴-۴. سطح سبکی - عملی

۴-۴-۱. بسط خلاقه

«کنار گذاشتن کلیشه‌های غلط در ترجمه، بسنده نکردن به اندوخته‌های ذهنی در معانی و اثرها و توجه به ویژگی‌های زبان مقصد، ترجمه خلاق را پدید می‌آورد» (طهماسبی و صمدی، ۱۳۹۵)؛ بدین معنی که مترجم، براساس ذوق و سلیقه و برداشت شخصی، عباراتی را به متن اضافه می‌کند که در متن اصلی وجود ندارد. این کار برای مفهوم‌تر شدن ترجمه صورت می‌گیرد.

«به عقیده پوردادود اسلام واقعی همان است» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: ویری پوردادود أن الإسلام الواقعی هو إسلام السنة لا الشيعة! (یوسفی غروی، بی‌تا)

در این عبارت، مترجم براساس ذوق و سلیقه خود، کلماتی به ترجمه افزوده است که در متن اصلی نیست.

«حقیقت مطلب چیست؟» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: فما هی الحقیقة یا تری فی هذه الحضارة؟ (یوسفی غروی، بی تا).

۴-۴-۲. اشتباه مترجم

اشتباه مترجم ناشی از بدفهمی یا کم‌دانی مترجم در زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است. متأسفانه در ایران از این نوع مترجمان، فراوان داریم و کمتر مترجمی است که در هر سه رشته توانا باشد. همان‌طور که ماک گوایر^۱ خاطر نشان ساخته است «چون زبان بیانگر فرهنگ است، مترجم باید دو فرهنگ باشد نه دوزبانه» (اردکانی، ۱۳۸۶).

«نان به نرخ روز می‌خورد» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: یطلب رزقه من حیث یطلبه الناس (یوسفی غروی، بی تا)

عبارت فارسی، یک اصطلاح است و به معنای فرصت‌طلبی و بی‌مسئولیتی است و مترجم به علت عدم آگاهی از مفهوم عبارت فارسی، ترجمه‌ای نادرست ارائه داده است. پیشنهاد می‌شود از ترجمه «انتهازی» استفاده شود.

«آیا اوستا که کتاب مقدس مزدیسنا و منسوب به زردشت است، هیچ‌گاه تدوین نشده و همیشه سینه به سینه نقل شده است؟» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: فهل أن أوستا هو الكتاب المقدس لمزدینا وهو کتاب زرادشت؟ وهل إنه لم یکتب بل نقل بالروایة الشفویة عن ظهر القلب؟ (یوسفی غروی، بی تا)

جمله اول فارسی که جمله موصولی بوده و جنبه اخباری داشته به دلیل برداشت نادرست مترجم به صورت یک جمله مستقل و سؤالی ترجمه شده است. بنابراین، ترجمه به این صورت «فهل أن أوستا الذي هو الكتاب المقدس لمزدینا ومنسوب إلى زرادشت، لم یدون بل نقل شفویاً؟» پیشنهاد می‌شود.

«جنس و فصل روح ایرانی عبارتست از آب و خاک و هوای ایران و نه چیز دیگر»
(مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: إن الجنس و الفصل للروح الإيرانية عبارة عن هذين العنصرين لا غير!
(یوسفی غروی، بی تا)

در متن فارسی، سه عنصر آورده شده، اما در ترجمه عربی آن، مترجم به اشتباه دو عنصر ذکر کرده و البته اسم عناصر را هم نیاورده است. بنابراین، ترجمه به این صورت «إن الجنس والفصل للروح الإيرانية هو الماء والتراب والهواء الإيرانية ولا شيء» پیشنهاد می‌شود.

«از نابودی ده‌ها و شهرها که مزداپرستان منزل دارند، پرهیز» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: أحاذر إهلاك المدن والقرى منازل عبّاد یزدان (یوسفی غروی، بی تا)

«منزل دارند» اصطلاحی است که برای ساکن شدن یا اقامت گزیدن اطلاق می‌شود، اما مترجم به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده است. بنابراین، ترجمه به این صورت «أحاذر تدمير القرى والمدن التي يسكنها عبّاد مزدا» پیشنهاد می‌شود.

«نشانه انحطاط فکری است» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: ليس الدلالة على إنحطاط الفكر» (یوسفی غروی، بی تا)

نویسنده، جمله را به صورت مثبت آورده و از فعل «است»، استفاده کرده، اما ولی مترجم به اشتباه، فعل را منفی و به صورت «نیست»، ترجمه کرده است. بنابراین، ترجمه به صورت «دلیل علی انحطاط فکری» پیشنهاد می‌شود.

«موکول به وقت دیگر است» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: «موکول لوقت آخر» (یوسفی غروی، بی تا)
ترجمه پیشنهادی: مؤجل لوقت آخر.

«بر چه اساس و مدرکی؟» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: علی‌ایّ اساس و مدرک؟ (یوسفی غروی، بی تا)
ترجمه پیشنهادی: علی‌ایّ اساس و أدلّة.

در نمونه‌های اخیر، مترجم کلمات را عیناً از فارسی به عربی انتقال داده در حالی که در زبان عربی چنین کلماتی کاربرد ندارند.

۴-۳-۴. حفظ اعلام با معادل متن اصلی

«در باره حفظ یا ترجمه اسامی خاص در زبان مقصد می توان گفت که اسامی خاص به طور کلی غیر قابل ترجمه اند و از طریق ترجمه به متن زبان مقصد انتقال نمی یابند» (ناظمیان، ۱۳۸۹). در «الإسلام و ایران» مترجم در موارد زیادی، اسم‌های علم را به همان شکل متن مبدأ به متن مقصد انتقال داده است.

«این چوب غالباً از نباتی موسوم به «هدانه اپتا» بود» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: كان هذا العود غالباً من نبات موسوم به «هدانه اپتا» (یوسفی غروی، بی تا)

«یکی از نسک‌های اوستای ساسانی موسوم است به «سوزگر» (مطهری، ۱۳۵۷)
ترجمه: ومن نسك أوستا الساساني منسك يسمي «سوزگر» (یوسفی غروی، بی تا).

۴-۴-۴. حفظ ساختار خاص متن مبدأ

این مورد فاقد نمونه است.

۴-۵-۴. بیان نامناسب در متن مقصد

مواردی که در ادامه به آن‌ها اشاره شده، نمونه‌هایی از بیان نامناسب در متن مقصد است.

«این تشریفات در مورد آتشکده‌ها نیز مجری است: آتشگاه را در محلی قرار می‌دهند که اطراف آن حتماً باز باشد» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: أما التشریفات فی مورد معابد النیران: فینبغی أن یکون المعبد فی فسحة وسیعة»
(یوسفی غروی، بی تا)

ترجمه این جملات به طور نامناسب صورت گرفته است، چراکه جمله اول فارسی، یک جمله کامل خبری است که نشان‌دهنده این است که این تشریفات شامل آتشکده‌ها هم می‌شود و جمله دوم، جمله دیگری است که محتوای خبر دیگری است، اما مترجم به اشتباه جمله اول را یک مسندالیه در نظر گرفته و جمله دوم را به عنوان مسند برای آن ترجمه کرده است. علاوه بر این، در انتقال مفهوم موردنظر، نویسنده به خطا رفته است. در جمله دوم که باز بودن اطراف آتشگاه را نشان می‌دهد، مترجم با ترجمه نامناسب، وسیع بودن اطراف آن ترجمه کرده است. بنابراین ترجمه به صورت « هذه المراسم تنطبق علی معابد النیران؛ يجعلون معابد النار فی فضاء وسیعة اطرافه » پیشنهاد می‌شود.

« کیفیت جنگاوری و حریف بودن و هجوم آوری ما به زبونی، نان به نرخ روز خوری و ناجنسی و تذبذب بدل شد » (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: تبدلت کیفیة هجماتنا و حروبنا و مقاوماتنا إلى الضعف والفشل والهوان وإلى أن نطلب رزقا من حيث يطلبه الناس وإلى أن نكون بلا أصالة و مناقین (یوسفی غروی، بی تا) در این عبارت، «جنگاوری» به صورت «حروبنا»، «حریف بودن» به صورت «مقاوماتنا» و «تذبذب» هم به «مناقین» ترجمه شده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود عبارت به صورت «تبدلت محاربتنا و مخاصمتنا و هجماتنا إلى الهوان والانتهازیة و إلى أن نكون غیر مهذبین و متذبذبین» اصلاح شود.

«از این تغییر چه جرثومه‌های دیگر که به جانمان حمله می‌آورد» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: وما أكثر هذه الجراثیم التي صارت تغزونا من آثار هذا الغزو (یوسفی غروی، بی تا)

در ترجمه این عبارت، «تغییر» به «غزو» که موردنظر نویسنده نبوده به صورت نامناسب ترجمه شده است.

۴-۶-۶. پرگویی در برابر ساده‌گویی

«پرگویی یا ترجمه آزاد» آخرین چاره مترجم است. «توری^۱ بدان شیوه (paraphrase) می‌گوید و خاطر نشان می‌سازد که، همیشه مرز میان این پدیده که شامل بسط قابل ملاحظه متن اصلی می‌شود و افزایش عام، مشخص نیست» (مختاری‌اردکانی، ۱۳۸۶).

«یک دسته را دیوها می‌خواندند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: فقد كان هناك قسم من الآلهة الطبيعية تدعى لها الهنود: ديوها أي الأجنّة (يوسفی غروی، بی تا)

«دیگر قدرت سابق را نداشتند که بتوانند در برابر جریان‌ها سدی بکشند» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: لم يبق لهم ما كانوا يتمتعون به من القدرة في البلاد والدولة حتى يستطيعوا أن يصدّوا ما يحدث بضدهم من حوادث دينية مضادة (يوسفی غروی، بی تا)

نمونه دیگر پرگویی، آوردن مطالبی است که نویسنده کتاب، آن متن را در کتابش نیاورده، اما مترجم دست به پرگویی زده و مطالب اضافی آورده است. نمونه آن را زمانی می‌بینیم که نویسنده، قسمتی از متن بن‌اثر را نقل کرده، اما مترجم در حین ترجمه، یک پاراگراف به این ارجاع افزوده است؛ «ثمّ سار فنزل بکوئی، فأتی برجل من العرب، فقال له: ما جاء بكم وماذا تطلبون...» (يوسفی غروی، بی تا)

«و با ملاک دیگری درباره این آیین قضاوت کنی» (مطهری، ۱۳۵۷)

ترجمه: وأن نحکم له أو علیه بملاک آخر غیر ملاک المصادر والأسناد التاریخية الموجودة لدينا الآن من نفس الدین (يوسفی غروی، بی تا).

۴-۶-۷. تغییر در صناعات بالاخص استعاره

مواردی که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است، نمونه‌هایی از تغییر در صناعات به ویژه استعاره است.

«بسیاری از وابستگی‌های بیهوده زندگی را از میان برد» (مطهری، ۱۳۵۷)
 ترجمه: فإنها حطمت كثيراً من مناسبات الحياة الجوفاء (یوسفی غروی، بی تا)

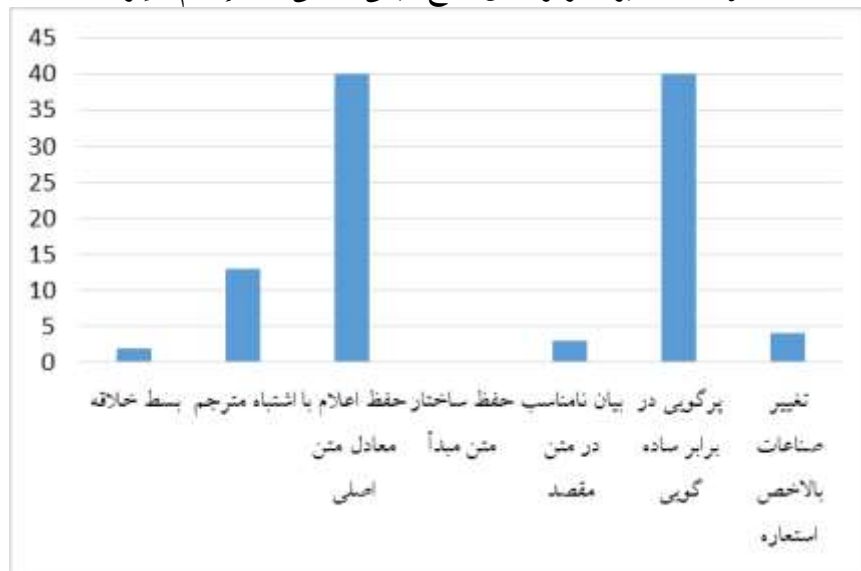
«وابستگی‌های بیهوده» به «مناسبات الحياة الجوفاء» ترجمه شده و در آن با آوردن کلمه «الجوفاء» به عنوان صفت برای «مناسبات»، استعاره پدید آمده است، چراکه الجوفاء به شیئی گفته می‌شود که تو خالی باشد.

«ظهور وی دیباجه کتاب سعادت ایران به شمار می‌رود» (مطهری، ۱۳۵۷)
 ترجمه: ويعدّ ظهور هذا الملك على عرش السلطنة في إيران مقدمة في طريق سعادة إيران!
 (یوسفی غروی، بی تا)

دیباجه کتاب سعادت ایران، یک ترکیب استعاری است که هنگام ترجمه، این استعاره حذف شده است.

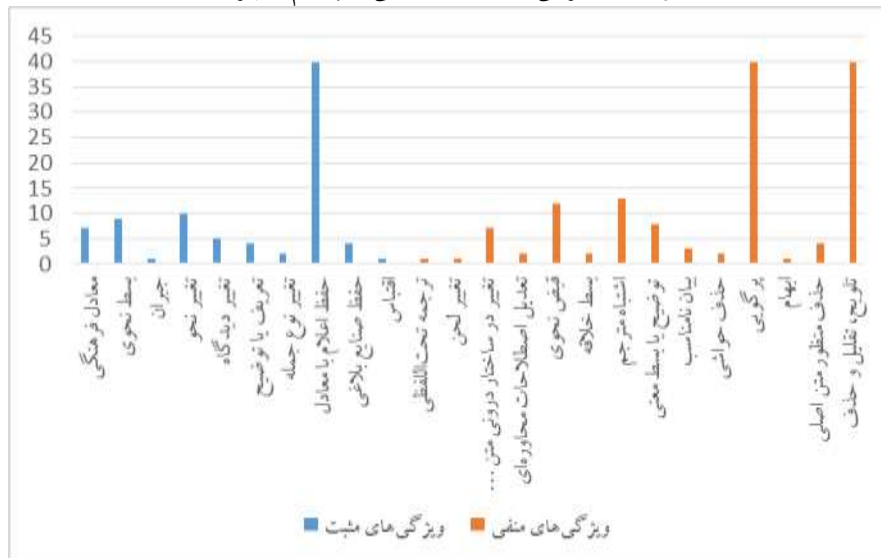
نمودار ۴) کاربرد زیرگروه‌های سطح سبکی - عملی در «الإسلام و ایران» نمایش داده شده است.

نمودار ۴. کاربرد زیرگروه‌های سطح سبکی - عملی در «الإسلام و ایران»



هر یک از ویژگی‌های مطرح شده، دارای زیرگروه‌هایی هستند که تعیین‌کننده جنبه‌های مثبت یا منفی ترجمه هستند. به عنوان مثال، زیرگروه معادل فرهنگی، عاملی مثبت است، اما زیرگروه اشتباه مترجم، عاملی منفی به حساب می‌آید و کیفیت ترجمه را پایین می‌آورد. در ادامه نمودار (۵) که مربوط به ویژگی‌های مثبت و منفی آورده شده تا قضاوت درستی درباره کیفیت ترجمه یوسفی غروی از کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران انجام گیرد.

نمودار ۵. ویژگی‌های مثبت و منفی «الاسلام و ایران»



مرحله نهایی ارزیابی کیفیت و مقبولیت ترجمه، ارزیابی آن براساس تکنیک‌های منفی و مثبت به کار رفته در آن است. بنابراین، با توجه به نمودار (۵) و مجموع نمره منفی ۱۳۶ و مجموع نمره مثبت ۸۳، ترجمه «خدمات متقابل اسلام و ایران» به «الاسلام و ایران» توسط یوسفی غروی دارای کفایت بوده و فاقد مقبولیت است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، ترجمه یوسفی غروی از کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» اثر استاد مطهری براساس الگوی ارزیابی کیفی کارمن گارسس (۱۹۹۴) مورد بررسی و ارزیابی

قرار گرفت و نتایج بررسی نشان داد که مترجم در ترجمه این کتاب، بیشتر رویکردی مقصدگرا و ارتباطی داشته است.

ترجمه حاضر دارای ویژگی‌های منفی بیشتری نسبت به تکنیک‌های مثبت است. با توجه به اینکه تعیین کیفیت و مقبولیت ترجمه از طریق ارزیابی آن براساس میزان ویژگی‌های مثبت و منفی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، مقادیر به دست آمده، بیانگر آن است که ترجمه ارائه شده از کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» تنها از کفایت برخوردار است، اما مقبولیت لازم را ندارد.

مترجم در دو سطح «معنایی- لغوی» و «نحوی- صرفی» نسبت به سطوح دیگر مدل گارسس موفق‌تر عمل کرده و در سطح «گفتمانی- کارکردی» و «سبکی- عملی» نیازمند بازنگری است.

این ترجمه، دارای مصادیق ترجمه توضیحی بوده و این توضیحات در دو شیوه «توضیح داخل پراتر» و «توضیحات اشراب شده در داخل متن» دیده می‌شود.

از عیوب اساسی ترجمه، حذف‌های مخمل و نابجا است که فراتر از حذف واژه و جمله بوده و شامل حذف پاراگراف و حتی حذف ۴۰ صفحه از مطالب کتاب است. در کنار پدیده حذف در این ترجمه، شاهد پدیده بسط یا پرگویی بیش از اندازه هستیم که گاه منجر به تحریف متن می‌شود.

مترجم در ترجمه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» زحمات فراوانی کشیده و به خوبی از عهده ترجمه این کتاب برآمده است، اما در نهایت، کاستی‌هایی در ترجمه این کتاب دیده می‌شود که پیشنهاد می‌شود در ویراستی جدید، این نواقص و کاستی‌ها برطرف شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Maryam Bakhshi  <https://orcid.org/0000-0003-3575-6126>
Kobra Zafari  <http://orcid.org/0000-0001-6832-427X>
Sepideh Bagheri  <http://orcid.org/0000-0003-1269-1964>

منابع

- افضلی، علی و اسداللهی، لیلا. (۱۳۹۸). کاربرد نظریه گارسس در نقد ترجمه ادبی. (تعریب صالح الجعفری از رباعیات خیام. *مجله کلیه اللغات*، ج ۲، ش ۴۰، صص ۲۵۹-۲۳۷. امرائی، محمدحسن. (۱۳۹۷). نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت الله یزدی براساس نظریه گارسس. (۱۹۹۴)؛ مطالعه موردی: سوره بقره». *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۵(۱۰)، صص ۴۶-۱.
- حافظ. (۱۳۷۷). *دیوان*. تصحیح غنی و قزوینی. چ ۱. تهران: ققنوس.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۹۱). *ترجمه متون ادبی*. چ ۹. تهران: سمت.
- رشیدی، ناصر و شهین، فرزانه. (۱۳۹۲). ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان دن کیشوت اثر میگوئل دوسروانتش براساس الگوی گارسس. *فصلنامه زبان و ادب فارسی*، ۵(۱۵)، صص ۵۶-۴۱.
- صیادانی، علی و اصغرپور، سیامک و خیراللهی، لیلا. (۱۳۹۶). نقد و بررسی ترجمه ی فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» براساس الگوی گارسس. *پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۷(۱۶)، صص ۱۱۸-۸۷.
- طهماسبی، عدنان؛ همایونی، سعدالله و صابری، شیما. (۱۳۹۲). لایه های زبانی و بافت بیرونی در تعادل ترجمه ای. *فصلنامه پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۳(۷)، صص ۱۷۶-۱۵۲.
- طهماسبی، عدنان و جعفری، صدیقه. (۱۳۹۳). جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرآیند «معادل یابی معنوی» (بررسی موردی رمان السکریتة). *پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۴(۱۰)، صص ۱۱۸-۹۷.
- طهماسبی، عدنان و صمدی، وحید. (۱۳۹۵). شیوه ترجمه ادبی مبتنی بر ترجمه نمایشنامه صاحبه الجلاله. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران.

فرهادی، پروین. (۱۳۹۲). بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی؛ آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

کمالی، محمدجواد. (۱۳۹۲). اصول فن ترجمه. تهران: سمت.

مختاری اردکانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). استعاره ترجمه (مجموعه مقالات درمورد ترجمه). کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

مهدی‌پور، فاطمه. (۱۳۸۹). نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن، از نظر آنتوان برمن. کتاب ماه ادبیات، ۴۱، صص ۶۳-۵۷.

ناظمیان، رضا. (۱۳۸۹). روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی. چ ۵. تهران: سمت.

نیومارک، پیتر. (۱۳۷۲). دوره آموزش فنون ترجمه. ترجمه منصور فهیم و وحید سبزیان. تهران: رهنما.

References

- Afzali, A. (2019). The Exploitation of Carmen Valero Garces' Theory in the Criticism of Literary Texts: Saleh al-Jafari's Arabic Translation Narrative citations: Saleh al-Jafari's Arabic Translation of "Rubbayat al-Khayyam" as an Example. *Journal of the Faculty of Languages*. University of Baghdad. 2(40). 237-259. [In Persian]
- Amraei, M. H. (2018). A Review and evaluation of the quality of Ayatollah Yandi's translation of the Holy Qur'an relying on the theory of Garces. (1994).. (Case Study: Surah Al Baqarah). *QHTS*; 5(10). 1-46. URL: <http://qhts.modares.ac.ir/article-10-16633-fa.html>. [In Persian]
- Garcés, Maria Carmen Valero. (1994). "A methodological proposal for the assessment of translated literary works: A case study". *The Scarlet*. Letter by N, Hawthorne into Spanish Babel. 40(2). 77-102.
- Khazaeifar, A. (2012). *Translation of Literary Texts. Ninth Edition*. Tehran: Samat. [In Persian]
- Hafiz. (1998). *Divan*. Ghani and Qazvini correction. first edition. Tehran: Phoenix. [In Persian]
- Rashidi, N. and Farzaneh. Sh. (2013). The Evaluation and Comparison of Two Translations of "Don Quixote" by Miguel de Cervantes based on Garces Model. (1994). *Persian Language and Literature*. 5(15). 41-56. [In Persian]
- Sayadani, A.; Asgharpur, S. and Khairallahi, L. (2017). Criticism and Review of Persian Translation of the Novel "Ghalbol Allayl "as" Midnight" on the Pattern of Garses. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*. 7(16). 87-118. doi: 10.22054/rctall.2017.7818. [In Persian]

- Tahmasbi. A.; Humayoni. S. and Saberi. Sh. (2014). Translation Researches in the Arabic Language and Literature. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*. 3(7). 152-176. [In Persian]
- Tahmasbi. A. and Jafari. S. (2014). Researching in translation from Arabic into Persian relying on the process of “moral equivalence”. (case study of the novel Al-Sukariya). *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*. 4(10). 97-118. [In Persian]
- Tahmasbi. A. and Samadi. V. (2015). *Literary Translation Method Based on the Translation of the Play Sahib al-Jalala*. Tehran: Tehran University Jihad Organization. [In Persian]
- Farhadi, P. (2014). Study Critique and Evaluation of the Translation of Arabic Texts. (Translated Works of Ghassan Kanfani in Three Sections: Stories. Narrations and Recitations. Master Thesis. University of Tehran. [In Persian]
- Kamali, M. (2014). *Principles of Translation*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Mokhtari Ardakani, M. A. (2007). *Translation Metaphor. (Collection of Articles on Translation)*. Kerman: Shahid Bahonar University of Kerman. [In Persian]
- Mahdipour, F. (2010). A Theory of the Emergence of Translation Theories and the Study of the Text Distortion System. according to Antoine Berman. *Book of the Month of Literature*. No. 41. 57-63. [In Persian]
- Nazemian, R. (2010). *Methods in Translation from Arabic to Persian*. Fifth Edition. Tehran: Samt. [In Persian]
- Newmark, P. (1993). *Translation Skills Training Course. Translation: Mansour Fahim and Vahid Sabzian*. Tehran: Rahnama. [In Persian]